

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت (ع) با تکیه بر روایاتی از امام رضا (ع)

محمد کاظم فرقانی^۱، مسعود لیثی آذر^۲

دریافت: ۱۳۹۵/۱/۵

پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۰

چکیده

رجعت یکی از آموزه‌های مهم شیعه دوازده امامی به شمار می‌آید که اعتقاد به آن از ضروریات مذهب امامیه است. نداشتن درک صحیح از معنای رجعت، از یک سو موجب شده است که در طول تاریخ درباره این آموزه بدبینی‌هایی ایجاد و در پی آن اتهامات قابل تأملی متوجه این مذهب شده تا جایی که به‌عنوان مثال می‌توان به روایات بسیار زیادی در کتب روایی عامه اشاره کرد که به خاطر وجود یک شیعه در سلسله راویان حدیث، آن هم تنها به دلیل اعتقاد به رجعت، از حیز اعتبار ساقط شده است. از سوی دیگر منجر به اشکالاتی درباره این آموزه شده است که اساساً خارج از موضوع بحث است و لطمه‌ای به این اعتقاد نخواهد رساند.

صرف نظر از انتقادات برون مذهبی به این اعتقاد امامیه، در درون مذهب و بین علمای شیعی نیز ضمن اعتقاد اجمالی به اصل آموزه، تفاوت‌هایی در تبیین آن قابل مشاهده است. اگر چه تعداد معتقدان به آموزه رجعت، به‌عنوان حادثه‌ای در هنگام ظهور حضرت ولی عصر (عج) و بازگشت اموات به دنیا بسیار بیشتر از مخالفان این تبیین است در عین حال هستند کسانی که رجعت را به معنای بازگشت حکومت به خاندان اهل بیت (ع) در عصر ظهور به شمار می‌آورند و زنده شدن اموات و بازگشت ایشان به این جهان را مقبول نمی‌دانند.

تبیین صحیح و کامل مفهوم رجعت از منظر مذهب امامیه، ذکر ثمرات اعتقاد به آن و به ویژه آشکارسازی عقیم بودن این اشکالات وارد شده از سوی مخالفان، از جمله مسائلی است که محقق ساختن آن، هدف پژوهش حاضر را معین می‌کند. شیوه پژوهش مبتنی بر روشی روایی - کلامی با تکیه بر احادیث وارد شده از ائمه اهل بیت به ویژه امام رضا (ع) است.

کلید واژه‌ها:

رجعت، شیعه، تناسخ، ثمرات رجعت.

❖ مقدمه

رجعت از جمله آموزه‌هایی است که علمای شیعه دوازده امامی، اعتقاد به آن را از ضروریات مذهب به شمار آورده‌اند. ایشان به استناد روایاتی که از امامان معصوم^(ع) نقل می‌کنند، تبیینی از آموزه رجعت ارائه می‌دهند که اعتقاد به آن را از لوازم ایمان به حساب می‌آورند.

صرف نظر از همه اشکال‌هایی که غیر معتقدان به مذهب شیعه اثناعشری بر آموزه رجعت وارد کرده‌اند، تبیین این اعتقاد به دلیل ثمرات گوناگون و قابل توجهی که می‌تواند برای باورمندان به این آموزه به ارمغان آورد، لازم و بلکه ضروری است. به طوری که اهمیت قرار دادن این شبهات در بوته نقد و همچنین بررسی دقیق اشکالات نیز انکارناپذیر است. بنابراین اگر این کار به گونه‌ای شایسته انجام گیرد، می‌تواند نقش قابل توجهی را در بازسازی و تقویت جایگاه این آموزه مهم شیعی به ویژه در عصر حاضر ایفا کند.

با توجه به انکار شدید آموزه رجعت از سوی برخی از علمای مذاهب اسلامی (برای بررسی بیشتر ر.ک: قفاری، ۱۴۳۱ق، ج ۲: ۹۲۷)، ضرورت دارد قبل از ورود تفصیلی به طرح شبهات و اشکالات مطرح شده ایشان و نقد و بررسی آن، ابتدا مفهوم مد نظر شیعه درباره آموزه رجعت را بیان کنیم تا بتوانیم ضمن رعایت کردن روند علمی پژوهش، دقت لازم را نیز در پاسخ‌گویی به این شبهات مبذول داریم.

نکته مهم دیگری که لازم است قبل از ورود به بحث ذکر شود، این است که نباید از تفاوت میان دو رویکرد فلسفی و کلامی در شیوه مطرح کردن پرسش‌ها غفلت شود. چنان که در بحث کنونی رجعت اهل فلسفه، هنگام پرسش از علت رجعت ارواح، پیش فرض آن‌ها اصل علیت باوری است. این درحالی است که متکلمان به خاطر تفاوت در پیش فرض‌شان که همانا حکیمانانه بودن فعل الهی است، «هدف خدا» از رجعت ارواح را

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت(ع) ... ❖ ۱۳۳

❖ سال پنجم شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

مورد پرسش قرار می‌دهند و در راستای وصول به علت غایی برای تحقق این امر تلاش می‌کنند. (محمدی، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۴).

حاصل آن که، روش بحث در پژوهش حاضر کلامی بوده و نقدها به طور غالب ناظر بر مبانی کلامی اشکال‌کننده‌هاست.

معنای لغوی رجعت

معنای لغوی رجعت عبارت است از «بازگشتن» به طوری که اهل لغت در توضیح واژه «رجعت» چنین گفته‌اند: رجعت مصدر مره از ماده رجوع به معنای یک بار بازگشتن یا باز گردانیدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۴۲).

همچنین در باره رجعت گفته شده است: رجوع به معنای بازگشت است و فلانی به رجعت ایمان دارد، یعنی او به بازگشت به دنیا پس از مرگ اعتقاد دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۱۵۲).

و نیز در مجمع البحرین آمده است که الرجعه (بفتح الراء) به معنای یک بار بازگشتن پس از مرگ، در عصر ظهور حضرت مهدی (عج) است که این از ضروریات مذهب امامیه است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۳۴).

معنای رجعت در اصطلاح علم کلام

واژه رجعت همانند بسیاری از واژگانی که علاوه بر معنای لغوی معانی اصطلاحی گوناگونی دارند. در علوم مختلفی همچون فقه، عرفان، نجوم و جامعه‌شناسی دارای معانی اصطلاحی مختلف است که محل بحث ما نخواهد بود. اما آن چه دانستن آن برای ما ضروری است معنای رجعت در اصطلاح علم کلام و نزد متکلمان است. بنابراین باید معنای اصطلاحی آن را نزد علمای شیعه بررسی کنیم.

- شیخ مفید در باب رجعت می‌نویسد:

❖ ۱۳۴ فرهنگ رضوی

«و أقول إن الله تعالى يرد قوما من الأموات إلى الدنيا في صورهم آلتی كانوا عليها فيعز منهم فريقا و يذل فريقا و يدلل المحققين من المبطلين و المظلومين منهم من الظالمين و ذلك عند قيام مهدی آل محمد^(ع)». (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۷۸ - ۷۷)؛

خداوند گروهی از مردگان را به همان صورتی که در گذشته بودند، به دنیا بر می‌گرداند و گروهی را عزیز و گروهی دیگر را ذلیل می‌کند و اهل حق را بر اهل باطل غلبه و نصرت می‌بخشد و مظلومان را بر ظالمان و ستمگران غلبه می‌دهد. این واقعه هنگام ظهور مهدی آل محمد^(عج) رخ خواهد داد.

- همچنین سید مرتضی در پاسخ به پرسشی که درباره رجعت مطرح شده است، می‌نویسد:

«اعلم أن الذي تذهب الشيعة الإمامية إليه أن الله تعالى يعيد عند ظهور امام الزمان المهدي عليه السلام قوما ممن كان قد تقدم موته من شيعته، ليفوزوا بثواب نصرته و معونته و مشاهدته دولته. و يعيد أيضا قوما من أعدائه لينتقم منهم، فيلتذوا بما يشاهدون من ظهور الحق و علو كلمة أهله.» (علم الهدی، ۱۴۰۵ ق، ج: ۱۲۵)؛

بدان، همانا آن چه که شیعه دوازده امامی معتقد است این است که: هنگام ظهور امام زمان^(عج) گروهی از شیعیان او را و گروهی از دشمنان آن حضرت را که پیش تر مرده‌اند بر می‌گردانند تا به ثواب یاری آن حضرت برسند و از دشمنان انتقام گرفته شود....

- نیز از علمای معاصر، علامه مظفر در کتاب «عقائد الإمامیه» چنین می‌نویسد:

«إن الذي تذهب إليه الإمامية أخذًا بما جاء عن آل البيت - عليهم السلام - أن الله تعالى يعيد قوما من الأموات إلى الدنيا في صورهم آلتی كانوا عليها، فيعزّ فريقا، و يذلّ فريقا آخر، و يدلل المحققين من المبطلين و المظلومين منهم من الظالمين، و ذلك عند قيام مهدی آل محمّد عليه و عليهم أفضل الصلاة و السلام.»

و لا يرجع إلا من علت درجته في الإيمان، أو من بلغ الغاية من الفساد، ثم يصيرون بعد ذلك إلى الموت و من بعده إلى النشور، و ما يستحقونه من الثواب أو العقاب...» (خرآزی، ۱۴۱۷ ق،

ج ۲: ۱۶۸)؛

عقیده شیعه در باب رجعت بر اساس پیروی از اهل بیت(ع)^۱ چنین است: خداوند عده‌ای از کسانی را که در گذشته از دنیا رفته‌اند، به همان اندام و صورتی که داشته‌اند زنده می‌کند و به دنیا بر می‌گرداند. پاره‌ای را عزیز و عده‌ای را خوار و ذلیل خواهد کرد. حقوق حق پرستان را از باطل پرستان می‌گیرد و داد ستم دیدگان را از ستمگران می‌ستاند و این واقعه یکی از رویدادهایی است که پس از قیام مهدی آل محمد (علیهم السلام)^۲ به وجود خواهد آمد. کسانی که پس از مردن به این جهان باز می‌گردند، یا از ایمان بالا برخوردار هستند و یا افرادی در نهایت درجه فساد می‌باشند و آن گاه دوباره می‌میرند و بعد از آن محشور و به ثواب یا عقاب اعمال خود که مستحق آن هستند خواهند رسید.

بنابراین از آن چه که گذشت، این نتیجه حاصل می‌شود که رجعت در کلام شیعی عبارت است از بازگشت عده‌ای^۱ از مؤمنان و کافران و ستمگران به همین دنیا، پس از مردن و قبل از قیامت کبری و البته در حکومت امام زمان (عج).^۳ با وجود این، عده قلیلی از اهل تشیع رجعت به معنای مذکور را نپذیرفته و آن را به معنای بازگشت حکومت به اهل بیت یعنی به دست امام عصر (عج) و همچنین بازگشت امر به معروف و نهی از منکر با ظهور آن حضرت، بدون بازگشت اشخاص و زنده شدن اموات دانسته‌اند.^۲ اما سید مرتضی علت این تأویل از رجعت را ناتوانی فائلان به این قول از تبیین رجعت می‌داند در حالی که اجماع علمای امامیه به استناد روایات مأثوره از اهل بیت عصمت و طهارت(ع)^۴

۱. در ادامه خواهیم دید که رجعت امری همگانی نبوده و به جز عده‌ای از مومنان محض و کافران محض، افراد دیگر را شامل نخواهد شد.

۲. در کتب کلامی که در عصر حاضر در دسترس است، نامی از اشخاصی که رجعت را به معنای زنده شدن اموات و بازگشت به ابدان در هنگام ظهور را نپذیرفته و از رجعت تعبیر به ظهور حضرت و بازگشت حکومت به خاندان اهل بیت کرده‌اند، نیامده است و به صورت کلی به اصل اعتقاد آن‌ها پرداخته و آن را مردود دانسته‌اند. اما از معاصران می‌توان به شیخ علی ابوالحسن ابن حسن ابن مهدی الخنیزی اشاره کرد که رجعت را در صورت هم معنا دانستن آن با ظهور می‌پذیرد، اما آن را به عنوان بازگشت عده‌ای به جهان قبل از قیامت باطل و اخبار وارده آن را بی‌فایده می‌داند (الخنیزی، ۱۳۳۵، ق، ج ۲: ۹۴). همچنین می‌توان به محمد باقر سنگلجی معروف به شریعت سنگلجی اشاره کرد که رجعت را از منظر تاریخی و مبانی دینی - از جایگاه درون دینی - به طور کلی زیر سؤال می‌برد، تا آن جا که اعتقاد به شخص خاص به عنوان موعود را نیز در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. چنان که اشاره می‌کند که مسائلی همچون ظهور و رجعت از آن جا که جزو اصول یا فروع دین نیستند، پس نمی‌تواند درست باشد (سنگلجی، بی تا: ۹۳).

که به تواتر معنوی رسیده است حاکی از رجعت به همان معنایی است که در ابتدا ذکر شد؛ یعنی احیای اموات اعم از مؤمنان محض و کافران مطلق در عصر ظهور و قبل از قیامت (علم الهدی، ۱۴۰۵، ق، ج ۱: ۱۲۶).

حقیقت آن است که اجماع علمای امامیه و مشهور بین ایشان از زمان شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی تا عصر علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی و حتی علمای معاصر کنونی بر رجعت به همان معنای اولش بوده است و روایات به دست آمده از امامان معصوم نیز ظهور در همین معنا دارد که به عنوان مثال به روایتی از امام رضا^(ع) در عیون اخبار الرضا^(ع) اشاره می‌کنیم:

«حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ يَوْمًا وَعِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا^(ع) وَقَدْ اجْتَمَعَ الْفُقَهَاءُ وَأَهْلُ الْكَلَامِ مِنْ الْفِرَقِ الْمُخْتَلِفَةِ فَسَأَلَهُ بَعْضُهُمْ..... فَقَالَ الْمَأْمُونُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ فَقَالَ الرَّضَا^(ع) إِنَّهَا لِحَقِّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَنَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^(ص) يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذْوًا لِلتَّعَلُّ بِالتَّعَلُّ وَالْقُدَّةَ بِالتَّعَلُّ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۲: ۲۰۱)؛

روزی به مجلس مأمون وارد شدم و حضرت رضا^(ع) در آن جا بود، و علمای علم کلام و فقها از هر فرقه و طایفه‌ای در آن مجلس بودند، یکی از آنان از حضرت سؤال کرد پس مأمون پرسید که شما در باره رجعت چه می‌فرمایید؟ امام رضا^(ع) فرمود: آن به جا و حق است، و در امت‌های پیشین هم بوده است، و قرآن مجید هم بدان ناطق است، و رسول خدا^(ص) هم فرموده: هر چه در امت‌های سابق اتفاق افتاده در این امت نیز بی‌کم و کاست طابق التعلل بالتعلل و بدون تفاوت اتفاق خواهد افتاد.

خصوصیات رجعت مقبول در نزد امامیه

۱. اختصاصی بودن رجعت

- شیخ مفید در «تصحیح الاعتقادات» روایتی را که در ذیل آمده است از امام صادق^(ع) نقل می‌فرماید:

«إنما يرجع إلى الدنيا عند قيام القائم من محض الإيمان محضاً أو محض الكفر محضاً فأما ما سوى

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت(ع) ... ❖ ۱۳۷

❖ سال پنجم شماره ۱۷ بهار ۱۳۹۶

هذین فلا رجوع لهم إلى يوم المآب.» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۹۰) ؛
همانا کسانی که مؤمن محض یا کافر محض باشند، هنگام ظهور قائم به دنیا بر
می‌گردند، ولی غیر از این افراد تا روز قیامت کسی به دنیا بر نخواهد گشت.
لذا خود شیخ در کتاب «المسائل السرویه»، اعتقاد امامیه در باب رجعت کنندگان را
چنین بیان می‌کند:

«و الرجعة عندنا تختص بمن محض الإيمان و محض الکفر دون ما سوی هذین الفریقین...»
(مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۵) ؛

از نظر ما رجعت ویژه کسانی می‌باشد که یا متمحض در ایمان هستند و یا غرق در کفر و غیر از این
دو گروه را شامل نمی‌گردد.....

با در نظر گرفتن سخنان شیخ مفید و همچنین با امعان نظر به سخنان دیگر علمای
بزرگ امامیه^۱، چنین به دست می‌آید که بر اساس آیات قرآن و روایات مأثوره از امامان
معصوم^(ع) در باب رجعت و نیز اجماع اندیشمندان شیعه، رجعت موضوعی اختصاصی و
تنها برای مؤمنان ناب و معاندان و کافران مطلق خواهد بود. بنابراین چنین نیست که
رجعت برای عموم مؤمنان و کافران محقق شود.

۲. اختیاری بودن رجعت

با توجه به آن چه درباره اختصاصی بودن رجعت به مؤمنان محض و کافران محض
گذشت، به طور طبیعی، این سؤال پیش می‌آید که آیا چنین رجعتی از روی اختیار خواهد
بود یا این که رجعت اجباری است؟

ظاهراً رجعت درباره کافران محض اجباری خواهد بود. به این معنا که همان گونه
که کافران به اختیار خود به جهنم نخواهند رفت، بلکه به اجبار راهی جهنم خواهند شد،

۱. سیدمرتضی در کتاب رسائل الشریف، ج: ۱؛ ۱۲۵ و همچنین شیخ طوسی در تفسیر التبیان، ج: ۳؛ ۴۷؛ ذیل آیه ۱۶۹ سوره آل عمران.

در خصوص رجعت نیز از آن لحاظ که موضوعی ناخوشایند برای ایشان است، پس تمایل نخواهند داشت و به اجبار رجعت خواهند یافت. اما در باره مؤمنان محض، روایتی از امام صادق^(ع) وجود دارد که ظاهر آن از اختیاری بودن رجعت در خصوص مؤمنان محض حکایت می‌کند. روایتی که مفضل از ایشان نقل می‌کند عبارت است از:

«ذَكَرْنَا الْقَائِمَ^(ع) وَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَصْحَابِنَا يَنْتَظِرُهُ فَقَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ^(ع) إِذَا قَامَ أَتَى الْمُؤْمِنَ فِي قَبْرِهِ فَيَقَالُ لَهُ يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ بِهِ وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كِرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمْ.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، الف، ج ۵۳: ۹۲)؛

در باره حضرت قائم^(عج) و اصحابمان که قبل از ظهور حضرت انتظارشان را می‌کشیدند ولی (ناکام مانده) و مردند، گفت وگو می‌کردیم. حضرت صادق^(ع) فرمودند: وقتی قائم آل محمد ظهور کند، به مؤمن در قبرش رجوع می‌شود و به او گفته می‌شود؛ یا فلان صاحب و مولایت ظهور کرده است، اگر دوست داری به او ملحق شوی، پس ملحق شو و اگر می‌خواهی در تکریم پروردگارت باقی بمانی پس بمان.

بنابراین، رجعت مورد اعتقاد شیعه دوازده امامی؛

اولاً: موضوعی اختصاصی بوده و مربوط به مؤمنان محض^۱ و کافران محض است. ثانیاً: کافران محض رجعت‌شان اجباری خواهد بود اما مؤمنان محض از روی اختیار رجعت خواهند یافت.

چیستی علت رجعت

همان گونه که در مقدمه به اختصار اشاره کردیم، متکلمان به سبب اعتقاد به حکیمانه بودن فعل الهی، هنگام سخن گفتن از علت یک امر، آن چه مد نظرشان خواهد بود، همان علت غایی آن امر و به عبارتی حکمت آن است. با ذکر این نکته، چنان چه بخواهیم در باب حکمت رجعت سخن به میان آوریم و هدف خداوند باری تعالی از

۱. جدای از روایاتی که در مورد رجعت سایر انبیاء الهی و نیز امامان معصوم^(ع) وارد شده است، می‌توان به رجعت ایشان از آن لحاظ که اشرف مؤمنان محض هستند نیز معتقد بود.

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت (ع) ... ❖ ۱۳۹

❖ سال پنجم شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

رجعت را بیان کنیم، با استناد به آن چه تا کنون بیان شد و همچنین برخی روایات دیگر از امامان معصوم^(ع)، می توان به مواردی اشاره کرد.

اما در این میان، چیزی که نباید از آن غفلت کرد، این است که رجعت از علایم قدرت و عظمت لایتناهی الهی است و از نشانه های قیامت کبری که در برگزیده حشر عمومی انسان ها خواهد بود محسوب می شود. به طوری که در این رخداد عظیم، دل های مؤمنان از هر شک و شائبه ای پاک و حجت بر معاندان تمام خواهد شد.

۳. انتقام از ستمگران

رجعت ستمگران تاریخ در عصر ظهور عدالت گستر جهانی، قائم آل محمد (عج)، بستری مناسب است برای این که از ظالمانی که جهان را از ظلم و جور پر کرده اند، انتقام گرفته شود، تا از یک سو در همین دنیا بخشی از مکافات اعمالشان را ببینند و از سوی دیگر تسلی بخش مظلومان باشد که به دست ظالمان کشته شده اند.

- شیخ حرّ عاملی روایتی را از امام باقر^(ع) نقل می کند که:

«عن أبي جعفر عليه السلام و ذكر حديثا يقول فيه: لما قتل جدّي الحسين عليه السلام ضجّت الملائكة الى الله بالبكاء، فأوحى الله إليهم قروا ملائكتي و عزتي و جلالتي لانتقمنّ منهم و لو بعد حين، ثم كشف الله عن الأئمة من ولد الحسين فاذا أحدهم قائم يصلي فقال الله عز و جل: بذلك القائم أنتقم منهم.» (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۲۴۵)؛

وقتی که جدم حسین^(ع) کشته شد، ملائکه صدا به گریه بلند کردند، از جانب حق وحی شد: فرشتگانم آرام گیرید، به عزت و جلالم قسم، از اینان انتقام گیرم و لو پس از مدتی، سپس (نور) امامان از فرزندان حسین^(ع) را نشان داد که یکی از آنان به نماز ایستاده بود و فرمود: به دست این «قائم» از آنان انتقام می گیرم.

۴. اوج تکامل و شقاوت

آن چنان که در روایات رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) مشاهده کردیم،

رجعت جنبه عمومی ندارد، بلکه ویژه مؤمنان محض و کافران مطلق است. پس با بازگشت این دو گروه به زندگی دنیا، مؤمنان واقعی از آن جهت که اولاً در مسیر تکامل معنوی با موانعی در زندگی رو به رو شده‌اند و تکامل آن‌ها نا تمام مانده است.

ثانیاً: در پرتو دولتی عدالت محور و عدالت گستر زندگی نکرده‌اند، بلکه در زندگی اجتماعی پیوسته با جباران و ستمگران رو به رو بوده‌اند.

در بعد تکامل اجتماعی نواقص و کمبودهایی داشته‌اند. پس حکمت الهی اقتضا می‌کند که با رجعت و بازگشت به دنیا آخرین مسیر تکاملی خود را طی کنند (شاه آبادی، ۱۳۸۷: ۲۹۶).

علاوه بر این، گروهی از منافقان و ستمگران تاریخ که از هیچ جنایتی علیه بشریت فروگذاری نمی‌کردند، به دنیا بازخواهند گشت، تا علاوه بر کیفر خاص خود در قیامت به مجازات‌هایی که اقوام سرکش در همین دنیا دیده‌اند نیز برسند (سبحانی، ۱۴۰۸، ق، ج ۶: ۳۵۷).

ثمرات باور به آموزه رجعت

۱. امید بخشی

یکی از وعده‌های مهم الهی به بندگان مؤمن و صالح خود، طبق آیه ۵۵ سوره مبارکه نور این است که ایشان را همچون گذشتگان حاکم روی زمین قرار دهد، دین‌شان را مستقر و ترس آن‌ها را به امنیت مبدل کند. بدون شک این امر به صورت کامل در زمان ظهور حضرت حجت (عج) اتفاق خواهد افتاد. پس اعتقاد به رجعت این امید را به بار می‌آورد که بتوان با کسب شرایط لازم، جزو رجعت یافتگان در زمان ظهور امام مهدی (عج) قرار گرفت.

۲. صبر، استقامت و پایداری

بدیهی است که صرف امید به رجعت، کافی نیست تا فرد انسان معتقد به آن، جزو این گروه از بندگان مؤمن قرار بگیرد؛ بلکه همان طوری که در باره رجعت اشاره شد، این آموزه فقط شامل مؤمنان مطلق و کافران محض خواهد بود. پس اگر شخصی از انسان‌های مؤمن امید به رجعت داشته باشد باید تلاش کند تا هر چه بیشتر صفات مؤمنان مطلق را به دست آورد.

مشخص است که چنین تلاشی نیازمند روحیه‌ای قوی برای پایداری در برابر مشکلات و موانع است. بنابراین، اعتقاد به رجعت می‌تواند چنین روحیه‌ای را به ارمغان آورد. همچنان که اهل بیت(ع) اصحاب خود را با وعده رجعت تسلی می‌بخشیدند و روحیه آن‌ها را در ایستادگی در مقابل مشکلات تقویت می‌کردند. در این زمینه می‌توان به مرقومه امام رضا(ع) در پاسخ به شکواییه حسن بن شاذان واسطی از جور زمان اشاره کرد (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، [الف]، ج ۵۳: ۸۹). همچنین دلداری دادن امام حسین(ع) در شب عاشورا به اصحاب خویش نیز از باب تقویت روحیه استقامت آن‌ها است (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، [ب]، ج ۲: ۳۷۰).

۳. ایجاد انگیزه قوی

بدون شک، همه انسان‌ها این تجربه را در زندگی خود داشته‌اند که اعمال ثمربخش به خصوص اگر ارزش والایی هم داشته باشند، زمانی محقق می‌شوند که عامل آن از پشتوانه انگیزشی قوی بهره‌مند باشد.

شناخت مقام و منزلت امامان معصوم(ع) و واسطه فیض بودن وجود مبارکشان موجب می‌شود تا هرانسان مؤمن و معتقد به این ذوات مقدس، آرزوی حضور در صف یاران ایشان را داشته باشد. پس اعتقاد به آموزه رجعت به غیر از امید بخشی و ایجاد روحیه استقامت در انسان‌ها، تعالی بخش انگیزه ایشان برای برنامه‌ریزی بهتر توأم با به

❖ سال پنجم شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

کارگیری همه توان خود به منظور تلاش و کوشش برای قرار گرفتن در جرگه اصحاب امام قائم (عج) در عصر ظهور و هنگامه رجعت خواهد بود. ناگفته نماند که ثمرات و نتایج دیگری را نیز برای باورمندان به امر رجعت مطرح کرده‌اند که جهت امتناع از اطاله سخن، موارد فوق را به‌عنوان بهترین نتایج باور به این آموزه مهم شیعی بیان کردیم.

ادله امامیه در باب اثبات رجعت

مجموع ادله‌ای را که علمای شیعه در اثبات رجعت مد نظر این مذهب اقامه می‌کنند، می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. دلایل و شواهد قرآنی

آن دسته از آیات قرآن که مهم‌ترین شواهد قرآنی قائلان به رجعت، در میان عالمان امامیه است، عبارتند از:

سوره آل عمران، ۸۱ - سوره نمل، ۸۲ - سوره نمل، ۸۳ - سوره قصص، ۵ - سوره قصص، ۸۵ - سوره انبیاء، ۹۵ - سوره نور، ۵۵

که به‌عنوان نمونه به بررسی یکی از این آیات می‌پردازیم و بقیه را به منظور پرهیز از دوباره‌گویی، به مقاله‌ای با عنوان: «معنا کاوی رجعت و رفع نزاع برون فرقه‌ای» که به‌طور مبسوط در این زمینه نگاشته شده است ارجاع می‌دهیم.

یکی از این آیات، آیه ۵۵ از سوره نور است که می‌فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت(ع) ... ❖ ۱۴۳

❖ سال پنجم شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنان‌اند که نافرمانند.»

شیخ طوسی این آیه را بشارتی برای اصحاب پیامبر گرامی و ناظر به ظهور حضرت مهدی (عج) دانسته است. فیض کاشانی نیز در ذیل آیه ۸۱ از سوره آل عمران این آیه را آورده و به استناد روایتی آن را در باره رجعت دانسته است. اما علامه طباطبایی با یادآوری اختلاف‌های فراوان مفسران در تفسیر این آیه می‌نویسد: بی‌شک این آیه شریفه درباره بعضی از افراد امت است که مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» باشند. و آیه نص در این معنا است و هیچ دلیلی نیست مبنی بر این که مقصود از آنان تنها صحابه رسول خدا(ص) یا خود رسول خدا(ص) و ائمه اهل بیت(ع) باشد (طاهری سر‌تشنیزی، ۱۳۸۶: ۱۵۹ - ۱۶۰).

بررسی مجموع این آیات ما را به این حقیقت می‌رساند که دلالت این گونه آیات بر آنچه که مطلوب ما در اثبات آموزه رجعت است، به نحو ظهور لفظ و با صراحت نیست. پس این آیات که مهم‌ترین مستندات قرآنی در باب رجعت به معنای مد نظر امامیه می‌باشد، دلالت استقلالی ندارد و مطلوب بدون تأویل آیات و استناد به روایات وارد شده از اهل بیت عصمت و طهارت(ع) قابل استنباط نخواهد بود (طاهری سر‌تشنیزی، ۱۳۸۶: ۱۶۰ - ۱۶۱).

۲. دلایل روایی

احادیث بسیار زیادی از امامان معصوم(ع) در باره رجعت وارد شده است. این روایات فراوان اگر چه از نظر لفظ متواتر نیست، اما از لحاظ معنا به حدی است که نمی‌توان تواتر معنوی آن‌ها را انکار کرد.

شیخ حرّ عاملی در کتاب «الایقاظ»، که بیش از ۵۰۰ حدیث از ۷۰ کتاب معتبر از مؤلفات بزرگان شیعه در باب رجعت جمع کرده است، می‌نویسد که صحت روایات رجعت از آن لحاظ که به حد تواتر رسیده و حتی از آن هم بالاتر رفته است نیازی به قرینه ندارد. لذا موجب یقین می‌شود (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۲۶).

همچنین، علامه مجلسی از سرآمدان علما در حدیث‌شناسی، می‌نویسد:

«وکیف یشک مؤمن بحقیقة الأئمة الأطهار ع فیما تواتر عنهم فی قریب من مائتی حدیث صریح رواها نیف وأربعون من الثقات العظام والعلماء الأعلام فی أزید من خمسين من مؤلفاتهم..... وإذا لم یکن مثل هذا متواترا ففی ای شیء یمکن دعوی التواتر مع ما روتہ كافة الشیعة خلفا عن سلف» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، [الف]، ج ۵۳: ۱۲۳ - ۱۲۲)؛

کسی که حقانیت ائمه اطهار^(ع) را باور کرده است، چگونه می‌تواند درباره مسئله متواتری که از آنان نقل شده است و حدود ۲۰۰ روایت صحیح رسیده و بیش از ۴۰ تن از ثقات و عالمان شیعه آن‌ها را در بیش از ۵۰ کتاب خود آورده‌اند، شک داشته باشد؟! راستی اگر مسئله‌ای از این قبیل را نتوان از متواترات دانست پس در کدامین موضوع می‌توان ادعای تواتر کرد درحالی که این مسئله را همه شیعیان از گذشته تا کنون هر یک به تبع سلف خود آن را روایت کرده است.

۳. اجماع شیعه

اجماع امامیه بر رجعت، عمده‌ترین دلیل قائلان به این موضوع است. تا آن جا که برخی، دلیل اصلی بر رجعت را اجماع علمای شیعه دانسته‌اند. از علمای شیعه امامیه، شیخ صدوق در کتاب «الاعتقادات»، شیخ مفید در «اوائیل المقالات»، سید مرتضی علم الهدی در «رسائل الشریف» جلد ۱ و ۳، شیخ حرّ عاملی در «الایقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة» و علامه محمد رضا مظفر در کتاب «عقائد الامامیه» به اجماع امامیه بر آموزه رجعت اشاره کرده‌اند. علامه مجلسی نیز در بحارالانوار قول بر رجعت را نزد شیعه مورد اجماع در همه اعصار از گذشته تا حال (زمان خویش) دانسته و آن را به قدری مشهور می‌داند چنان که گویی چون خورشید بر فراز آسمان روشن و تابان است (همان: ۱۲۲).

شبیهات وارد شده بر رجعت از جانب اشکال کنندگان و نقد آنها

۱. مخالفت اعتقاد به رجعت با آیات قرآن

زمخشری صاحب تفسیر کشاف در ذیل آیه ۳۱ از سوره مبارکه یس:

«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ»؛

مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آن‌ها به سویشان بازمی‌گردند؟

اعتقاد به رجعت را خلاف آیه شریفه به حساب می‌آورد (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۴:

۱۳-۱۴).

نقد

در نقد بیان زمخشری درباره آیه مذکور، ذکر چند نکته لازم است:

الف: آیه بازگشت همه کفار را ممنوع ندانسته است، بلکه گروهی را که به عذاب

الهی گرفتار شده‌اند، ذکر کرده است.

ب: هدف از بازگشت کافران به دنیا، جبران گذشته تاریک خود نیست که آیه مد

نظر آن را رد می‌کند بلکه هدف از بازگشت کفار و ظالمان محض، مشاهده شکوه و

عظمت مؤمنان از یک سو و چشیدن مکافات اعمال خود از سوی دیگر است.

ج: آیه مذکور صرفاً از کفار سخن گفته و درباره رجعت دیگر انسان‌ها سکوت کرده

است.

نتیجه‌گیری

استدلال به آیه صرفاً قول به رجعت کفار برای انجام عمل صالح و جبران گذشته را

باطل می‌کند. این درحالی است که چنین رجعتی اساساً مد نظر شیعه نیست. همان گونه

که قبلاً اشاره شده است، رجعتی که شیعه به آن معتقد است عبارت است از این که

گروهی از خواص انسان‌های کافر و ظالم هنگام ظهور امام مهدی (عج) برای انجام وعده

الهی مبنی بر انتقام از گردن کشان تاریخ به دنیا باز می‌گردند.

۲. رجعت به مثابه مشوقی برای انجام گناه

مرحوم طبرسی در الاحتجاج واقعه‌ای را در باب رجعت که گفت وگویی بین ابی جعفر (مؤمن الطاق) و ابو حنیفه است، نقل می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۳، ق: ۳۸۱) که می‌تواند دستمایه‌ای باشد برای برخی منکران رجعت، تا چنین اشکالی مطرح کنند که رجعت کسانی را وادار می‌کند تا توبه از گناهان خود را موکول به آینده (زمان رجعت) کنند.

نقد

با توجه به آن چه تاکنون بیان شده است، رجعت مد نظر امامیه، دو ویژگی اساسی

دارد:

الف: اختصاصی بودن رجعت و نه عمومیت آن.

ب: نا مشخص بودن رجعت کنندگان.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن این دو ویژگی اساسی رجعت، اعتقاد به این آموزه نه تنها نمی‌تواند مجوزی بر انجام گناه و عدم توبه از گناه باشد، بلکه آن گونه که در محور ثمرات باور به این آموزه گذشت، اعتقاد به آن باعث تقویت روحیه استقامت در برابر معاصی نیز است. بنا بر این معصیت و توبه نکردن به هیچ عنوان از لوازم این اعتقاد نخواهد بود و چنین توهمی نتیجه نا آگاهی از مفهوم رجعت نزد شیعه است.

۳. شبهه توبه رجعت کنندگان

یکی از اشکالاتی که ممکن است درباره آموزه رجعت مطرح شود، این است که کافران محض که جز پلیدی و ناپاکی از آن‌ها سرزده است، با دیدن حقیقت در برزخ،

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت(ع) ... ❖ ۱۴۷

❖ سال پنجم
شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

اگر چنانچه رجعت یابند، راه توبه را در پیش خواهند گرفت (طاهری سرتشنیزی، ۱۳۸۶: ۱۶۴)، که در این صورت دو حالت در باره توبه آنها قابل تصور است.

الف- توبه آنها پذیرفته خواهد شد.

ب- توبه آنها پذیرفته نخواهد شد.

در صورت تحقق صورت اول، امر محقق بر خلاف حکمت خداوند است، از آن لحاظ که سرنوشت آنها با پایان یافتن دوره زندگانی ایشان تعیین یافته است اما در صورت تحقق صورت دوم یعنی عدم پذیرش توبه آنها، امری برخلاف وعده الهی مبنی بر پذیرش توبه گناهکاران رخ داده است.

نقد

پاسخ اول:

آن است که طبق آیه ۲۷ و ۲۸ سوره انعام:

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ تُفْعَلُونَ عَلَىٰ النَّارِ قَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۷) بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُحْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۲۸)»؛

وای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند، می‌دیدید که می‌گویند کاش بازگردانده می‌شدیم و [دیگر] آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم. [ولی چنین نیست] بلکه آن چه را پیش از این نمانده می‌داشتند، برای آنان آشکار شده است. و اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغگویند.

نمی‌توان گفت که هرکسی بعد از مرگ و با دیدن حقایق جهان در عالم برزخ، اگر چنانچه بازگشت به دنیا کند، حتماً توبه خواهد کرد بلکه در قلب آنها جایی برای پذیرش توبه نمانده است. به طوری که اگر به این دنیا بازگردند، قطعاً طبق آیه مذکور به همان اعمال سابق خود بازگشت کرده و خبری از توبه نخواهد بود. لذا قرآن با دروغگو خواندن آنها، به توبه نکردن آنها در صورت رجعت به دنیا اشاره دارد.

پاسخ دوم:

فرض می‌کنیم که این افراد پس از رجعت و بازگشت به این دنیا، توبه کنند، در آن صورت آیا توبه آن‌ها پذیرفته خواهد شد؟ ظاهر آیات قرآن خلاف آن را حکایت می‌کند. چرا که توبه مقبول، توبه‌ای است که از روی اختیار و آزادی انجام گیرد و نه بر اثر مشاهده قهر و عذاب الهی، آن چنان که طبق آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مبارکه یونس، توبه فرعون در واپسین لحظات زندگی و هنگام غرق شدن مورد قبول درگاه الهی قرار نگرفته است. این آیات با صراحت اعلام می‌دارد که این ایمان هیچ سودی برای وی نداشته و هرگز مورد پذیرش درگاه الهی قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

هنگام رجعت، کافران محض رجعت خواهند کرد. این افراد که وجودشان سراسر آمیخته به کفر و ستم است، راه توبه را در پیش نخواهند گرفت و اگر هم توبه کنند، توبه آن‌ها پذیرفته نخواهد شد و این عدم پذیرش توبه هیچ منافاتی با وعده الهی مبنی بر پذیرش توبه گناهکاران ندارد. بنابراین اشکال مطرح شده وارد نبوده و مورد پذیرش نیست.

۴. سنخیت رجعت با تناسخ

برخی از غالیان عقیده‌ای را با عنوان رجعت مطرح می‌کنند که فرقی با تناسخ ندارد (نوبختی، ۱۴۰۴ ق: ۳۷ - ۳۶). عده‌ای از اشکال‌کنندگان به رجعت، بدون توجه به رجعت مد نظر آن‌ها، اعتقاد شیعه در مورد رجعت را نیز همان اعتقاد در نظر گرفته و

۱. سوره یونس: ۹۰ و ۹۱ «وَ جَاوِزْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَيْنَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُودُهُ بَغِيًّا وَ عَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَذْرَكَ الْقَرْقُ قَالَ أَمْنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰) الْآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)» ترجمه: و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم، پس فرعون و سپاهیان‌ش از روی ستم و تجاوز، آنان را دنبال کردند، تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آن که فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند، نیست، و من از تسلیم‌شدگانم.» (۹۰) اکنون؟ در حالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از تباهاکاران بودی؟ (۹۱)

رجعت در پرتو مکتب اهل بیت (ع) ... ❖ ۱۴۹

بنابر این آن را هم سنخ با تناسخ دانسته‌اند (مقریزی، ۱۴۲۶ ق، ج ۳:۳۱۰). ایشان ادله بطلان تناسخ را برای ابطال رجعت نیز اقامه می‌کنند و آن را همچون تناسخ عقیده‌ای باطل به شمار می‌آورند.

نقد

بر خلاف اشکالات مطرح شده قبلی، این شبهه، نه فقط رجعت مد نظر امامیه، بلکه اساساً، اصل زنده‌شدن مردگان در این دنیا را که مورد اتفاق همه علماء و متکلمان مسلمان می‌باشد است زیر سؤال می‌برد و آن را انکار می‌کند.

حقیقت آن است که اگر بخواهیم به بررسی اساسی درباره حقیقت این اشکال وارد شده از سوی مخالفان پردازیم، لازم خواهد بود که از یک سو به پژوهشی مفصل در باب معنا و یا معانی تناسخ دست یازیده و از سوی دیگر آن معانی از تناسخ را که علمای اسلامی بر خلاف عقاید صریح اسلامی دانسته و بر ابطال آن استدلال کرده‌اند، به دقت مورد باز بینی قرار دهیم تا مشخص کنیم که آیا اعتقاد به رجعت هم سنخ با تناسخ به معنای باطل اش است یا این که سنخیتی وجود ندارد؟!

بدیهی است که طرح چنین موضوعی در اثنای بحث حاضر سخن را به درازا خواهد کشاند. بنابراین خارج از حوصله این پژوهش به حساب می‌آید و خود تحقیقی مستقل می‌طلبد. اما با توجه به آن که رویکرد مد نظر نگارنده در پیشبرد بحث، رویکردی کلامی است، پاسخ اجمالی که می‌توان به این اشکال داد از این قرار است:

اولاً: طبق قاعده «حکم الأمثال فی ما یجوز وفی ما لا یجوز واحد» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰۹) که مورد قبول نزد علما است، با توجه به سنخیت معاد جسمانی با مسئله رجعت، می‌توان چنین گفت که ادله مثبتة معاد جسمانی مورد اتفاق همه متکلمان در باب معاد امکان ذاتی رجعت را اثبات می‌کند.

ثانیاً: همچنین طبق قاعده «ادلّ دلیل علی امکان الشیء وقوعه» که این نیز مورد اتفاق اهل

علم است، می‌توان امکان ذاتی تحقق رجعت در آخر الزمان و قبل از برپایی قیامت را اثبات کرد. چرا که از نظر همه متکلمان، رجعت در گذشته و امت‌های سابقه تحقق یافته است. لذا تحقق مجدد آن در آخر الزمان امری ممتنع نیست.

درخور ذکر است که بررسی اشکال‌های عقلی فلسفی رجعت و تلاش فیلسوفان باورمند به آموزه رجعت، برای برون رفت از این اشکال‌ها از موضوع مقاله حاضر که رویکردی روایی کلامی دارد خارج است و نگارنده برخی از این اشکال‌ها و تلاش‌ها را در مقالاتی دیگر مورد بررسی قرار داده است. (فرقانی و احمدی زاده، ۱۳۹۲: ۷۹-۹۶؛ احمدی زاده و فرقانی، ۱۳۹۱: ۵۳-۸۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه در نقد اشکال وارد شده بیان شد، امکان ذاتی رجعت در عصر ظهور اثبات می‌شود. اما امکان وقوعی آن، به این معنا که آیا رجعت در آخر الزمان تحقق خواهد یافت یا خیر؟ موضوعی است که امامیه بنابر دو دلیل مذکور در ذیل به آن اعتقاد داشته و آن را از ضروریات مذهب و نه دین به حساب می‌آورد. بنابراین، منکران آن را کافر یا فاسق و امثال آن نمی‌دانند.

الف: قول به رجعت در عصر امام زمان (عج) توسط امامان معصوم (ع) در روایات بسیار زیادی که منجر به تواتر معنوی گشته، نقل شده است. از جمله آن روایات می‌توان به حدیثی از امام رضا (ع) که در پاسخ به سؤال مأمون در باره رجعت است اشاره کرد.

«قَالَ الْمَأْمُونُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ؟ فَقَالَ الرَّضَا (ع) إِنَّهَا لَحَقَّتْ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۱)؛

پس مأمون پرسید که شما در باره رجعت چه می‌فرمایید؟ امام (ع) فرمود: آن به جا و حق است، و در امت‌های پیشین هم بوده است، و قرآن مجید هم بدان ناطق است، و رسول خدا (ص) هم فرموده، هر

چه در امت‌های سابق اتفاق افتاده در این امت نیز بی‌کم و کاست مطابق التعل بالتعل و بدون تفاوت، اتفاق خواهد افتاد.

ب: اعتقاد امامیه در باب امامان دوازده گانه^(ع) این است که آن‌ها را معصوم و اقوال آن‌ها را حق و تحقق یافتنی می‌داند. در این زمینه نیز از امام رضا^(ع) سوالی شده که به همراه پاسخ آن عبارت است از:

«فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَأَى شَيْءٍ تَصِحُّ الْإِمَامَةُ لِمُدَّعِيهَا قَالَ بِالنَّصِّ وَ الدَّلِيلِ قَالَ لَهُ فَدَلَالَةُ الْإِمَامِ فِيمَا هِيَ قَالَ فِي الْعِلْمِ وَ اسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ قَالَ فَمَا وَجْهُ إِخْبَارِكُمْ بِمَا يَكُونُ قَالَ ذَلِكَ بَعْدَ مَعْهُدِ الْبِنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ^(ص) قَالَ فَمَا وَجْهُ إِخْبَارِكُمْ بِمَا فِي قُلُوبِ النَّاسِ قَالَ^(ع) لَهُ أَمَا بَلَّغَكَ قَوْلُ الرَّسُولِ^(ص) اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يُنْظَرُ بِنُورِ اللَّهِ قَالَ بَلَى قَالَ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ فِرَاسَةٌ يُنْظَرُ بِنُورِ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ إِيمَانِهِ وَ مَبْلَغِ اسْتِثْبَارِهِ وَ عِلْمِهِ وَ قَدْ جَمَعَ اللَّهُ لِلْأَيِّمَةِ مِنَّا مَا فَرَّقَهُ فِي جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ فَأَوَّلُ الْمُتَوَسِّمِينَ رَسُولُ اللَّهِ^(ص) ثُمَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^(ع) مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ الْحُسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ^(ع) إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ابن بابويه، ۱۳۷۸، ق، ج ۲: ۲۰۰)؛

سائل پرسید دلالت امام در چیست؟ فرمود: در علم و دانش، و مستجاب شدن دعای او، گفت: وجه خبر دادن شما به چیزهایی که بعداً واقع می‌شود به چه چیز است؟ فرمود: از راه آن علم معهودی که از رسول خدا^(ص) به ما رسیده است (مراد صحیفه جامعه است)، سائل گفت: به چه چیز از نیات قلبی مردم آگاهی می‌یابید؟ فرمود: مگر به تو این خبر نرسیده است که رسول خدا^(ص) فرمود: «از فراست مؤمن پرهیزید، زیرا او به نور خداداد نظر می‌کند»، مرد گفت: شنیده‌ام، فرمود: «مؤمنی نیست مگر این که فراستی است مر او را که با نور خدایی باطنش به مقدار ایمان و مبلغ بینش و هوشیاری و دانش خود به جهان می‌نگرد، و خداوند جمع کرده است در ما امامان به اندازه تفرسی که به همه مؤمنان داده و خود در کتاب محکمش فرموده است: إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ (به درستی که در این نشانه‌هایی است برای متوسمین یعنی کسانی که به علائمی نظر کنند و از آن علائم حقیقتی را درک کنند. (الحجر، ۷۵) و اولین فرد از متوسمان رسول خدا^(ص) بود، سپس امیر مؤمنان، آن گاه حسنین و از پس ایشان امامان از اولاد حسین^(ع) تا روز باز پسین و قیامت».

نتیجه‌گیری

از آن چه در باب رجعت مد نظر امامیه، به صورت مشروح بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. رجعت مد نظر امامیه، عبارت است؛ از بازگشت مؤمنان محض و کافران مطلق، پس از مردن و قبل از قیامت، در عصر ظهور حضرت مهدی (عج).
۲. رجعت امری اختصاصی بوده و عمومیت ندارد.
۳. رجعت در باره مؤمنان مطلق، اختیاری است.
۴. رجعت در خصوص کافران محض، اجباری خواهد بود.
۵. انتقام از ستمگران و رسیدن به اوج تکامل و شقاوت، از مهم‌ترین علل غائی رجعت است.
۶. امید بخشی، ایجاد روحیه‌ای قوی و پایدار و همچنین ایجاد انگیزه قوی، از مهم‌ترین ثمرات باورمندی به رجعت است.
۷. دلالت ظاهر آیات قرآنی بر رجعت در آخر الزمان، بدون استناد به روایات معصومان^(ع)، استقلالی نبوده و صراحتی در معنا ندارد.
۸. روایات امامان معصوم^(ع) در باب رجعت آخر الزمانی، بسیار فراوان بوده و تواتر معنوی دارد.
۹. اجماع امامیه بر رجعت در عصر ظهور، عمده‌ترین دلیل و از نظر عده‌ای دلیل اصلی این اعتقاد است.
۱۰. آیه‌ای در قرآن وجود ندارد که با رجعت به معنای مد نظر امامیه، مخالفت داشته باشد.
۱۱. اعتقاد به رجعت هیچ تضمینی در پی ندارد تا این که مشوقی بر گناه و توبه نکردن محسوب شود.

۱۲. رجعت سنخیتی با تناسخ، که بطلان آن اثبات شده است ندارد و مهم‌ترین دلیل بر امکان رجعت، وقوع آن در گذشته است که مورد اتفاق همه علمای اسلامی قرار دارد.

با اشاره به سخن تیجانی در کتاب «لأکون مع الصادقین» که می‌نویسد: رجعتی که شیعه امامیه بدان معتقد است، اهل سنت هیچ‌گاه در صدد فهم و درک آن بر نیامده‌اند و در منابع آن‌ها نیز تعریف نشده است (التیجانی السماوی، ۱۴۲۷ ق: ۲۲۱)، نتیجه می‌گیریم اتهاماتی که از جانب اهل سنت، در باره اعتقاد به رجعت، به شیعه وارد شده است، همگی بی‌اساس بوده و به نظر می‌رسد که این اختلاف شدید منجر به تکفیر، تفسیق و... شیعه شده است (قفاری، ۱۴۳۱ ق، ج ۲: ۹۲۷)، در ابتدا به صورت نزاع لفظی بوده است که به خاطر تعصب کورکورانه و نبود درک صحیح مفهوم رجعت در نزد شیعه، هم اکنون تبدیل به اختلاف اساسی و عقیدتی شده است. در حالی که اعتقاد شیعه در این خصوص به تبعیت از امامان خویش جز اعتقاد به ثبوت قدرت لایزال الهی در زنده کردن مردگان، آن هم به صورت محدود و قبل از حشر اکبر (قیامت) نیست که این چنین هدف طعن مخالفان قرار گرفته است، چنان‌که گویی اعتقاد به آن برابر با شریک قرار دادن به خدا یا انکار اصلی از اصول دین است.

منابع و مأخذ

- ابن بابويه، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، تهران: نشر جهان.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۶۵)، *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، ج ۱، قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- احمدی زاده، محمد، فرقانی، محمدکاظم، (۱۳۹۱)، «برون رفت علامه طباطبایی از مشکله رجعت در اندیشه صدرایی»، *فلسفه دین*، سال نهم، شماره دوم، صص ۵۳-۸۰.
- التیجانی السماوی، محمد، (۱۴۲۸ ق)، *لأكون مع الصادقين*، قم: مؤسسه انصاریان.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۲)، *الایقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة*، مصحح سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات نوید.
- خرازی، سید محسن، (۱۴۱۷ ق)، *بداية المعارف الالهية فی شرح عقائد الامامية*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- خنیزی، علی ابوالحسن ابن حسن ابن مهدی، (۱۳۳۵ ق)، *الدعوة الاسلامية الى وحدة اهل السنة و الامامة*، بیروت: دارالفکر.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالشامیه.
- زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج ۴، بیروت: دار الکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۰۸ ق)، *بحوث فی الملل والنحل*، ج ۶، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، مؤسسه الامام الصادق(ع).
- سنگلجی، محمد باقر (معروف به شریعت سنگلجی) (بی تا)، *اسلام و رجعت*، تهران: بی تا.
- شاه آبادی، محمد علی، (۱۳۸۷)، *رشحات البحار*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طاهری سرتشینی، اسحاق، (۱۳۸۶)، «معناکاوی رجعت و رفع نزاع برون فرقه‌ای»، *قیسات*، شماره ۴۶، صص ۱۴۷ - ۱۷۰.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *الاحتجاج*، مشهد: نشر المرتضی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علم الهدی، سید مرتضی، (۱۴۰۵ ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، به تحقیق سید مهدی رجائی، قم: دارالقرآن الکریم.
- فرقانی، محمدکاظم، احمدی زاده، محمد، (۱۳۹۲)، «برون رفت استاد رفیع قروینی از مشکله رجعت در اندیشه صدرایی»، *پژوهش نامه فلسفه دین (نامه حکمت)*، سال یازدهم، شماره اول، صص ۷۹-۹۶.
- قفاری، ناصر عبدالله علی، (۱۴۳۱ ق)، *اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه، عرض و نقد*، جیزه: دارالرضا.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ ق)، [الف] *بحار الانوار*، ج ۲ و ۳، بیروت: موسسه الوفاء.
- -----، (۱۴۰۴ ق)، [ب] *مرآة العقول*، به تحقیق سید هاشم رسولی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی، بهزاد، (۱۳۹۴)، «فلسفه رجعت از منظر آیت الله شاه آبادی»، *اندیشه نوین*، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۸۱ - ۹۸.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، *اوائیل المقالات فی المذاهب و المختارات*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

١٥٦ ❖ فرهنك رضوى

- ❖ • -----، (١٤١٣ ق)، **تصحیح اعتقادات الامامية**، قم: المؤتمر العالمى للشيخ المفيد.
- -----، (١٤١٣ ق)، **المسائل السروية**، قم: المؤتمر العالمى للشيخ المفيد.
- مقرىزى، تقى الدين احمد بن عبد القادر بن محمد، (١٤٢٦ ق)، **الخطط المقرىزية**، مصر: مكتبة الدار العربية.
- نوبختى، سعد بن عبد الله اشعري قمى، (١٤٠٤ ق)، **فرق الشيعة**، قم: موسسه علمى و فرهنكى.

سال پنجم شماره ١٧، بهار ١٣٩٦